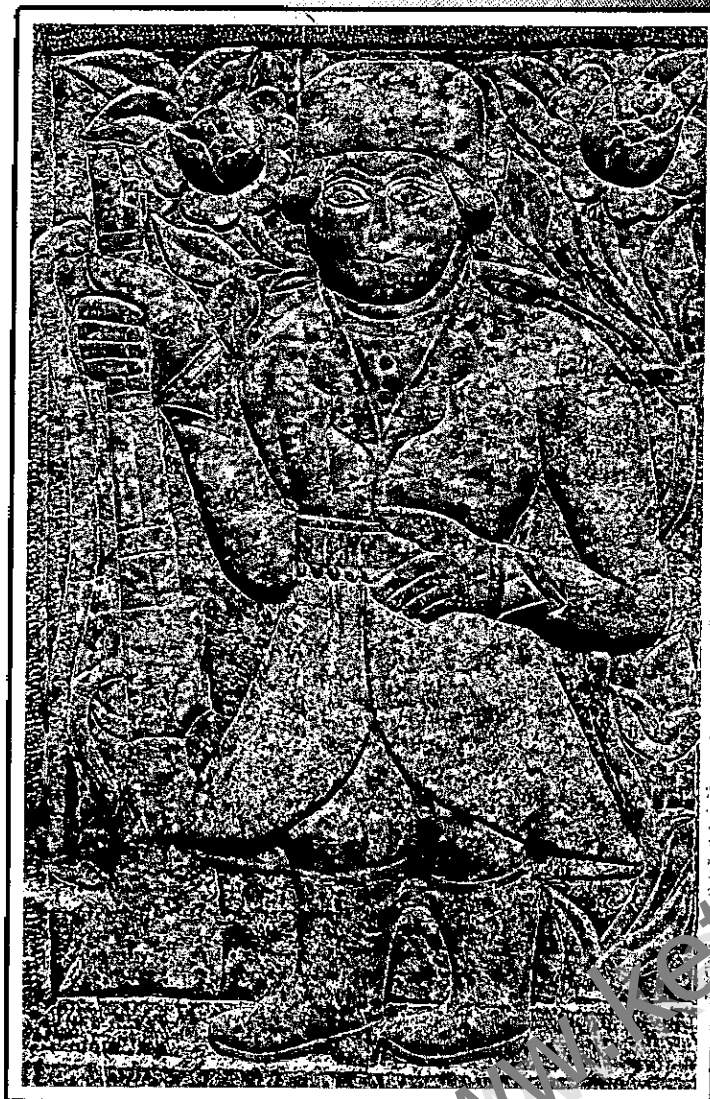




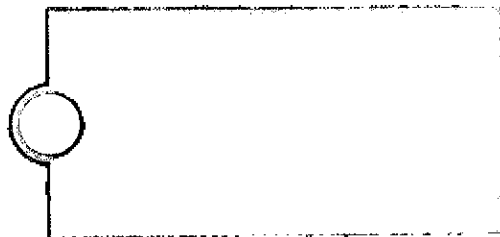
نقش ستره در حجاریهای موزون سنگ طاق بستان کرمانشاه

لباس لرهای فیلی

در استانهای لرستان، ایلام و کرمانشاه

عیسی قائم مقامی

پدیدآورنده: قائدرحمت، عیسی، ۱۳۵۲ -
 عنوان: لباس لرهای فیلی در استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه
 تکرار نام پدیدآور: عیسی قائدرحمت
 مشخصات نشر: قم: انتشارات مطیع، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص.: مصور، عکس
 بهاء: ۲۴۵۰۰۰ ریال: ISBN: 978-600-7107-10-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. همچنین ص. ۱۳۱-۱۳۶
 موضوع: پوشاک محلی - ایران - لرها
 موضوع: لرها - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
 موضوع: لرها
 رده‌ی کنگره: ۱۳۹۳، ۱۲، ۱۴۲۰/ق۲، GT
 رده‌ی دیویی: ۳۹۱/۰۰۹۵۵
 شماره‌ی مدرک: ۳۳۵۷۶۱



انتشارات مطیع

لباس لرهای فیلی (در استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه)

گردآورنده	: عیسی قائدرحمت
مقدمه	: دکتر ابراهیم خدایی
ناشر	: انتشارات مطیع [۹۱۳۷۴۸۲۵۰۷]
صفحه‌بندی	: حمید مطیع
لیتوگرافی	: قم، رپروگرافی نقش
چاپ و صحافی	: قم، چاپ اسرا
نوبت چاپ	: اول، بهار ۱۳۹۳
شمارگان	: ۲۰۰۰ جلد
شابک	: ۹۶۴-۶۰۰-۷۱۰۷-۱-۲
بها	: ۲۴۵۰۰۰ ریال
مرکز پخش	: لرستان، شهرستان دورود [همراه: ۱۷۲۴ ۶۹۹ ۹۱۶]
ارتباط با ناشر	: EisaRahmaty@gmail.com
کلیه‌ی حقوق و مالکیت این اثر محفوظ و متعلق به گردآورنده می‌باشد.	

فهرست عناوین

۳. پیراهن	۳۵
۴. شلوار	۳۷
۵. گیوه	۳۸
۶. لباس ضخیم دوز	۳۹
ا. نوار رنگی	۳۹
ب. نوار کرمک	۴۰
ج. یراق	۴۱
د. سکه‌ی گوشه‌دار	۴۱
ه. گوی	۴۲
شکل لباس ضخیم دوز	۴۳
۱-۶. سرداری زنانه	۴۳
۲-۶. بال‌کل	۴۵
۳-۶. کلنجه	۴۶
۴-۶. جلیقه	۴۸
۵-۶. ملونه	۴۹
۶-۶. در د بایی	۵۱
طریقه‌ی پوشیدن لباس ضخیم دوز	۵۲



فصل سوم لباس‌های مردانه لری فصلنامه

لباس‌های مردانه‌ی لری فصلی	۵۵
۱. کلاه نمدی	۵۵
۲. سر بند	۵۷
۳. پیراهن	۵۸
۴. شلوار دم‌پا بسته و شلوار دم‌پا باز	۵۸

۷ مقدمه

۱۱ پیش‌گفتار



فصل اول مقدمه‌ای بر شناخت لری و لری فصلی

مجموعه‌ی زبان‌ها و گویش‌های لری	۱۵
عمده‌ترین زبان‌ها و گویش‌های لری	۱۶
لری لکی	۱۶
لری ملکی	۱۷
لری کلهری	۱۷
لری مینجایی	۱۸
لری ثلاثی	۱۹
لری بختیاری	۱۹
لری گیلویی و ممسنی	۱۹
لری بندری (لیراوی)	۲۰
لری کارونی	۲۰
لری - لری کوچک - لری فصلی	۲۱
فصلی و محدوده‌ی آن	۲۳
کاربری‌های واژه‌ی فصلی	۲۵



فصل دوم لباس‌های زنانه‌ی لری فصلنامه

لباس‌های زنانه‌ی لری فصلی	۳۳
۱. عرق چین	۳۳
۲. سر بند	۳۴

فهرست عناوین

فصل پنجم ضمایم



۱۱۵	ضمیمه ۱: کرته یا همان قتره‌ی ایلام
۱۲۰	ضمیمه ۲: چوخای فیلی
۱۲۰	الف: چوخا در ادبیات لری فیلی
۱۲۲	ب: تفاوت چوخای فیلی (لرستان و ایلام)
	با چوخای بختیاری
۱۲۶	ضمیمه ۳: لباس‌های نم‌دی و گلیمی
۱۲۶	الف: کپنک
۱۲۶	ب: فرجی
۱۲۶	ج: جلیقه‌ی نم‌دی
۱۲۶	د: کرک



منابع

۱۳۱	منابع پوشاک
۱۳۱	منابع فرهنگ لغت
۱۳۱	منابع ادبیات و فرهنگ عامه
۱۳۲	منابع تاریخ، سفرنامه و مردم‌شناسی
۱۳۳	منابع مجموعه‌ی تصاویر
۱۳۳	منابع موزه‌ها
۱۳۴	منابع رسانه‌های مجازی
۱۳۴	منابع مربوط به جغرافیا و تاریخ فیلی

۵۹ ۵. شال حجیم

۶۲ ۶. گیوه

۶۴ ۷. لباس‌های ضخیم‌دوز

۶۴ ۷-۱. قبا فیلی

۶۶ ۷-۲. کپنک

۶۷ ۷-۳. سرداری شش دکمه‌ای مردانه

۶۹ ۷-۴. کرته (قتره‌ی ایلام)

۷۲ ۷-۵. چوخا راه‌راه فیلی

۷۵ ۷-۶. ستره



فصل چهارم لباس مناطق لرستان

۸۱	لباس مناطق لر فیلی
۸۱	لباس ایلام
۸۳	لباس مردانه‌ی ایلام
۸۳	نوع سرپند
۸۳	الگوی کرته (قتره)
۸۳	الگوی چوخای راه‌راه
۸۴	الگوی ستره
۸۴	لباس والیان
۸۴	لباس زنانه‌ی ایلام
۹۲	لباس مناطق جنوبی استان کرمانشاهان
۱۰۰	لباس دوم مناطق جنوبی کرمانشاهان
۱۰۰	لباس زنانه در نوع دوم
۱۰۳	لباس مردانه در نوع دوم
۱۰۸	لباس لرهای عراق

مقدمه

آن جا که «عشق به دانایی» با «عشق به موضوع دانایی» به هم گره می خورد.

دوستان و هم کاران ما که در حوزه های فرهنگی و اجتماعی لُر فعالیت دارند، در دو جبهه ی عمده قابل طبقه بندی هستند. محرک فعالیت های گروهی از ایشان عشق به لُر و لرستان است. این گروه بیشتر دغدغه ی بهبود زندگی، دفاع از منزلت و رفع مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مردم لُر و مناطق لرنشین را دارند. این گروه اگر هم دست به پژوهش یا تلاشی علمی بزنند، رویکردشان جز این نیست که علم و پژوهش ابزاری در پیش بر. هدف متعالی خدمت به لُر است. البته این ها هرگز خود را محدود به دایره ی پژوهش علمی نمی دانند و در راه این خدمت، از ابزارهای دیگر، هم چون فعالیت سیاسی، ادبی، هنری و... هم استفاده می کنند. می توان منش این گروه را با اصطلاحی چون «لُرگرایی» نام گذاری کرد. در جبهه ی دیگر، کسانی هستند که اگر هم علاقه و دغدغه ی نسبت به لرها و مناطق لرنشین دارند، محرک اصلی فعالیت ایشان، ایمان و کنجکاوی علمی و اعتقاد به این مسأله است که علم و دانش می تواند سنگی از پیش پای بشریت بردارد. بنابراین، دغدغه ی این گروه از فعالان لُر دست یافتن به واقعیت های علمی در تاریخ، فرهنگ و جامعه ی لُر است. البته این ها هرگز خود را محدود به شناخت لُر و لرستان نمی دانند و هر جا بتوانند ردی از دانایی بیابند، به آن علاقه نشان می دهند. می توان منش این گروه را با اصطلاحی چون «لُرشناسی» نام گذاری کرد.

به عبارت دیگر گروهی عشق به دانایی و علم دارند و گروهی دیگر بیشتر به موضوع دانایی، یعنی لُر، علاقه مند هستند. تقریباً تمام فعالان حوزه ی لُر، هر کدام بخشی از این دو رویکرد لُرگرایی و لُرشناسی را دارند؛ اما معمولاً یک گرایش بر دیگری برتری می یابد.

در تاریخچه ی فعالیت های لُر مدرن که به نظر بنده نقطه ی شروع آن را باید از سال های اواخر قاجار، با نگارش تاریخ بختیاری توسط تیم «سردار اسعد»^۱ آغاز کرد. این بحث در همان اثر آغازین هم قابل طرح است که محرک هر بخش از کتاب سردار اسعد، کنجکاوی علمی و یا داشتن گرایش عاطفی به منطقه و مردم بختیاری بوده است.

۱. علی قلی خان بختیاری (۱۲۳۶-۱۲۹۶ شمسی)، معروف به سردار اسعد بختیاری، از روسای ایل بختیاری و فرماندهی فاتحان تهران، در شهر جوفشان چهارمحال و بختیاری به دنیا آمد. در جریان انقلاب مشروطه با فتح تهران به استبداد محمد علی شاه قاجار پایان داد.

اما این مقدمه بیان شد تا موضع بنده به عنوان یکی از صمیمی‌ترین هم‌کاران آقای عیسی قائدرحمت؛ و به عنوان کسی که بیشترین رابطه‌ی کاری در حوزه‌ی لری را با وی دارم، نسبت به فعالیت‌های ایشان روشن شود؛ به نظر من، اگر دو سر طیف لرشناسی و لرگرایی را در نظر بگیریم و بنخواهیم جای‌گاه «قائدرحمت» را در این طیف مشخص کنیم، متحیر خواهیم ماند که بیش از هر کس دیگری به نقطه‌ی مرکزی طیف متمایل است.

در این‌جا زیبنده نخواهد بود که از استادان و دوستان نام ببرم؛ اما در میان ایشان کسانی هستند که اگر منافع لر و یا ایل یا طایفه‌ای خاص اقتضا کند، در نوشتار خود هر حقیقتی را پنهان می‌کنند و هر ظنّ ضعیفی را چون یک باور علمی جلوه می‌دهند؛ قلم را برده‌ی زر خرید خویش می‌دانند. از جانب دیگر کسانی هستند که هر چند از سر عشق به لر هم پژوهشی را آغاز کرده باشند، هر کجا روش و ایمان علمی ایشان بطلبد، بر معشوق خود می‌شورند و هم‌چون برده‌ی زر خرید قلم منفعت لر را در ازای وسواس علمی خویش وا می‌نهند.

قائدرحمت از یک سوی لرگرایی و علاقه‌مندی‌اش به منافع لر سر آمد است. کم‌تر کسی در مجموعه‌ی ما هست که به اندازه وی در دو گرو لر داشته باشد؛ از سوی دیگر کم‌تر کسی در این مجموعه دقت و وسواس علمی ایشان را هم دارد.

از زمانی که من ایشان را می‌شناسم، تقریباً از سال ۱۳۸۱ شمسی، وی را مشغول پژوهش درباره‌ی پوشاک مناطق لر نشین دیده‌ام. البته قبل از آشنایی با من، این فعالیت آغاز شده است. در این بیش از ده سال آشنایی، همیشه سخت منتقد کار ایشان بوده‌ام؛ که چرا در شرایطی که فضای فرهنگی و اجتماعی لر، تشنه‌ی نتایج کنکاش و پژوهش وی است، او این قدر انتشارش را به خاطر کوچک‌ترین ابهام یا نارسایی در شیوه‌ی دوخت یا نوع پارچه‌ی فلان جامه به تعویق می‌اندازد.

اما وی همواره دردمندانه پاسخ داده:

چگونه می‌توانم پژوهشی را روانه‌ی کتابخانه‌ها کنم که هنوز خودم در آن نقص می‌بینم!

حاصل بیش از ده سال پژوهش آقای قائدرحمت، فقط این کتاب نخواهد بود؛ وی در این مدت با مسالهی پوشاک لر و اقوام ایرانی زندگی کرده است. من تنها از بخشی از مسافرت‌ها و مرارت‌های وی آگاه هستم و اقرار می‌کنم هیچ دانشجوی مقاطع عالی تحصیلی‌ای را نمی‌شناسم که به اندازه‌ی نیمی از تلاش علمی و پی‌گیری پژوهشی ایشان را به کار بسته باشد.

غیر از من، بسیاری از دوستان دیگر نیز در این پژوهش در حد نکته‌ای، درگیر بوده‌اند. بارها و بارها از کسانی که به شهری لر نشین یا غیر لر نشین سفر کرده‌اند و یا به دیدن نمایشگاه یا موزه‌ای رفته‌اند، با تقاضایی از سوی قائدرحمت مواجه شده‌اند که درباره‌ی فلان جامه یا کلاه پیرس و یا دنبال فلان عکس

بگردد و چه بسا فلان قطعه لباس را خریداری کن. اینک منزل شخصی ایشان، غیر از کتابخانه‌ی غنی آن، هم‌چون موزه‌ای بی‌نظیر از البسه و تصاویر مربوط بدان است.

هر چند وی کتابخانه‌ای غنی و کامل هم دارد، اما مهم‌ترین نقطه‌ی قوت پژوهش قاندرحمت، فعالیت میدانی وی است. امروزه برای ما که از منظر دانشگاهی به کار پژوهشی می‌نگریم، ستودنی است که بدانیم پژوهش‌گری درباره‌ی فلان بازی، آیین و یا غذا پژوهش کند و بیش از آن که در کتاب‌ها دنبال معلومات مرتبط با آن بگردد، خودش اقدام به بازی کند، به آن آیین درآید و یا از غذای مورد نظر تغذیه کند. قاندرحمت با لباس لری چنین کرده است.

بیشتر کسانی که از طریق اینترنت وی را می‌شناسند، تصویرش را در حالی که چفیه بر گرد سر بسته است مد نظر دارند. او در همایش‌ها و مسافرت‌های مختلف و حتی در زندگی روزمرش تا جایی که توانسته، با لباس‌های مختلف لری زندگی کرده است.

آری! عیسی قاندرحمت و پژوهشش بر پوشاک لر نقطه‌ی تلاقی «لرگرایی» و «لرشناسی» است. او هر دو روی‌کرد را در کمال دارد. برای تقویت لرشناسی از لرگرایی‌اش عقب‌نشینی نمی‌کند و برعکس، حاضر نیست دغدغه‌های پژوهشی لرشناسی را فدای غیرت و تعصب لرگرایی کند.

دکتر ابراهیم خدایی

آذر ماه ۱۳۹۲